



مکتب مقاومت

سخن سردبیر:

اقتصاد مقاومتی

به دی ماه که می‌رسیم، رخت‌شور خانه دلمان رونق می‌گیرد. همان ابتدایش حالمان شبیه به ارگ بم است، در دی ماه ۸۲. بعدتر مثل یک کشتی وسط اقیانوسی غرق می‌شویم، بعدتر شبیه فرودگاه بغداد زخم برمی‌داریم، زخمی عمیق. بعد سقوط می‌کنیم، شاید هم مثل پلاسکو آتش می‌گیریم و فرو می‌ریزیم. دی ماه روحمان آماج حوادث است و روی زبانمان طعم خاطره‌هایی گس.

اما من از همه این خاطرات مشترکمان می‌خواهم بروم سراغ یکی از تکان‌دهنده‌ترین‌هایش. ۱۳ دی‌ماه ۹۸، فرودگاه بغداد.

مردی که آن شب پرکشید و رفت آن بالاها، شاگرد خوب مکتب مقاومت بود. او هر جا که بود ایستادگی رونق داشت. آدم‌ها خجالت می‌کشیدند در مقابل او از نشدن و نتوانستن بگویند و به عقیده من هنوز هم اگر بخواهیم راه او را ادامه دهیم و یادش را در خاطر تاریخ ابدی کنیم باید القاب «مقاومت» را بیاموزیم و آموزش دهیم.

از مقاومت که می‌گوییم فقط یاد جنگ‌های معمول دنیا نیفتید، در هرزمینه‌ای که دشمن هجوم بیاورد و ظلم آشکارا قد علم کند باید مقاومت کردن را بلد باشیم. به همین علت این شماره را «مکتب مقاومت» نام دادیم و سعی کردیم در آن به‌گونه‌های ناگفته‌تری از مقاومت کردن اشاره کنیم که خواندن‌شان خالی از لطف نیست.

امیدواریم این کم‌راز ما قبول کنند و به حرمت خون حاج قاسم عزیزمان، همگی‌مان را در راه اسلام و انقلاب عزیز به عنوان سربازی مقاوم و مفید قرار دهند.

شدن سفره مردم و تنگ‌تر شدن زندگی متوسط افراد جامعه منجر شد و همچنان سخت‌تر شدن زندگی و معیشت مردم به وضوح قابل رویت است. البته از دشمن جز دشمنی انتظار دیگری نداریم اما دوستان چه کردند؟

کسانی که نان و آب مردم را هم به تحریم‌ها گره زده و به جای اینکه از تاریخ عبرت گرفته و دست به زانوی خودمان بگذاریم و بلند شویم، دست نیاز به سوی جهان‌خواران دراز کردند!

واضح است که اگر در زمانی که رهبر انقلاب پدرا نه و آگاهانه بحث اقتصاد مقاومتی را بیان کردند، با جدیت به آن مسئله رسیدگی و تبیین می‌شد، امروز شاهد بسیاری از اتفاقات تلخ و دردناک در جامعه‌مان نبودیم. مفهوم اقتصاد مقاومتی، که همان علاج مشکلات کشور است، یعنی تکیه به درون و درون‌زایی؛ درون‌زایی یعنی تولید ثروت به‌وسیله فعالیت درونی کشور انجام بگیرد؛ چشم و نگاهمان به بیرون نباشد. معنای درون‌زا بودن اقتصاد این نیست که درهای کشور را ببندیم؛ درون‌زایی و برون‌گرایی مدنظر است. وظیفه همه ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، نفوذناپذیر و تأثیرناپذیر از سوی دشمن، حفظ کنیم؛ در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است. اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند و دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس شود. از ویژگی‌ها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌توان به ده مورد اشاره کرد:

۱. ایجاد تحرک و پویایی
۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا
۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی ۴. رویکرد جهادی
۵. مردم‌محوری ۶. امنیت اقلام راهبردی
۷. کاهش وابستگی نفتی ۸. اصلاح الگوی مصرف
۹. فسادستیزی ۱۰. دانش‌محوری

ادامه متن در صفحه بعد

رهبر معظم انقلاب، در طول این سال‌ها واژه‌های جدیدی را تبیین و مفاهیمی نو به سطح جامعه تزریق کردند. اقتصاد مقاومتی از همین دست واژگان است. اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما و متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است و اگر به یک گفتمان عمومی در کشور تبدیل شود؛ بسیاری از مشکلات بر طرف و کارها تسهیل خواهد شد.

ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کار آفرینی معنایش این است.

بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۰۶/۱۶
اولین باری که کلید واژه اقتصاد مقاومتی توسط رهبر انقلاب، بیان و معنا شد، شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که بشود تحریم‌های بیشتری علیه یک ملت اعمال کرد و به همین دلیل افرادی سعی کردند با غرض‌ورزی اقتصاد مقاومتی را ریاضت اقتصادی معنا کنند، در صورتی که یک معنای کاملاً معقول‌تر و عمیق‌تری دارد که قابل فهم و قابل دفاع است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاومت‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ اقتصادی که چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک می‌کند.

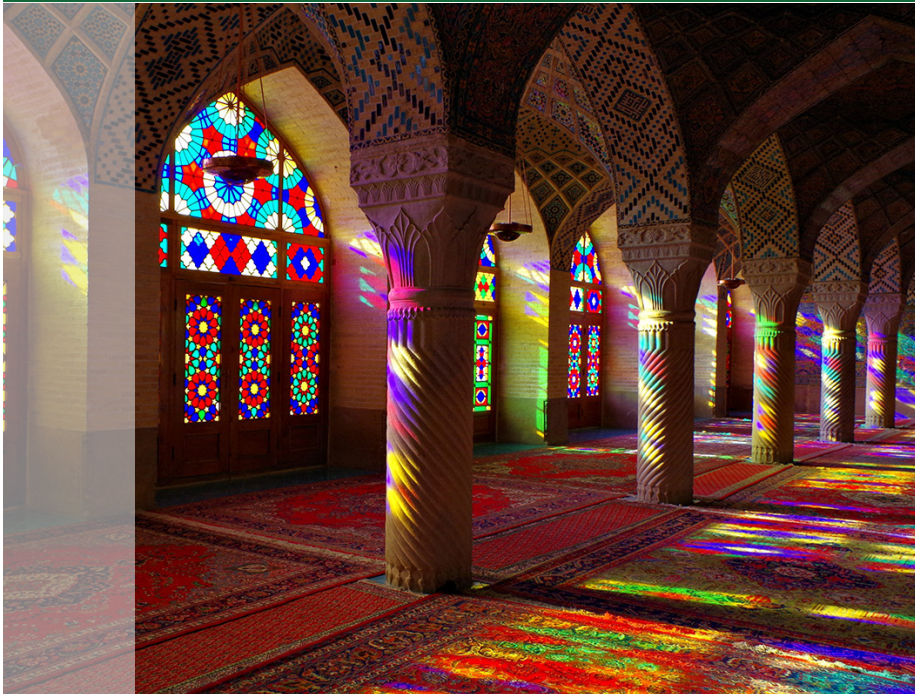
و اما امروز که قریب به یازده سال از بیان این واژه می‌گذرد، چقدر در تحقق اقتصادی مقاوم تلاش کرده و موفق بوده‌ایم؟

اگر بخواهیم روراست باشیم، از آن هدف بسیار دور هستیم ولی باید فشار حداکثری غرب، به ویژه تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ملت ایران را هم در نظر بگیریم که به قول خودشان با این تحریم‌ها می‌خواستند ملت مستقل ایران را به زانو درآورند و جشن کریسمس سال ۲۰۱۹ میلادی را در تهران جشن بگیرند اما بحمدالله موفق نبوده و آن اوهم ظالمانه به زباله‌دان تاریخ پیوستند؛ اما این فشار حداکثری که تبدیل به رسوایی حداکثری شد بی‌تأثیر بر روی زندگی مردم نبوده و به کوچک

گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - به خصوص در این سال‌های اخیر - با تکان‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمده، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند. احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است؛ اولاً به همان دلیل مشترک بین ما و دیگر کشورها؛ ما با اقتصاد جهانی مرتبطیم، بنا بر همین ارتباط هم داریم، ما قصد جداسدن از اقتصاد جهانی را به هیچ وجه نداریم و در شرایط کنونی دنیا نمی‌توان هم داشت؛ ثانیاً خصوصیتی است که ما داریم؛ ما به خاطر استقلال‌مان، به خاطر عزت مداریمان، انگیزه‌های مخالفت و اخلاک‌گری و ایجاد مشکل، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است. بنابراین ما بیشتر باید بر محکم کردن پایه‌های اقتصاد اهتمام بورزیم و اقتصادمان را مقاوم‌سازی کنیم.

اقتصاد مقاومتی، عزت ملی و گره‌گشایی کشور را توأم با همراه دارد و امید است با رویکردی صحیح، مردم وارد بدنه اقتصادی کشور شده و چرخ اقتصاد کشور توسط مردم بچرخد و خبثت‌ها، ایران عزیزمان را از پای نیندازد.

فاطمه هراتی نیک - علوم کامپیوتر



مولود بشریت

فرهنگ!

پایه، اساس و ستون!

درختی را در نظر بگیرید. ریشه‌های قطور و مستحکم آن، حکم فرهنگ را دارند. فرهنگ یا همان مجموعه‌ای از باورهای دینی، عقاید، رسوم، هنر و توانایی که از قشری به قشر دیگر، رنگ متفاوتی دارد.

فرهنگ را می‌توان مولود بشریت نامید. آنچه که نسلی، با افتخار برای نسل دیگر به ارث می‌گذارد.

هرگاه نسلی نتواند فرهنگ خود را حفظ کند و ارثیه‌اش را به نسل بعد نرساند، گویی بیهوده زیسته و اندوخته‌ای برجای نگذاشته است و اگر بتواند آن امانت را به آن‌ها برساند، برای تداوم نسل بعد گام بزرگی برداشته است.

فرهنگ افراد و آنچه به آن ایمان دارند، به مرور در رفتارهای آنان متجلی شده و نمود پیدا می‌کند، از این جهت است که می‌گویند؛ رفتار و عملکرد جوامع، برخاسته از فرهنگ آنان می‌باشد. به طور کلی فرهنگ، روح حاکم بر یک اجتماع است که به رفتار آن جامعه جهت می‌دهد.

فرهنگ‌های جوامع گوناگون ماندگاری متفاوتی دارند. بسته به شرایط و مسائل متفاوت برخی قادر به حفظ آن بوده و شناسنامه خود را زنده نگاه داشته و برخی با تغییر و تزلزل فرهنگشان و از دست دادن آن یا پذیرفتن فرهنگ‌های بیگانه، دچار دگرگونی شده و بخشی از هویت خود را از دست داده‌اند. در این بین، جوامعی هم هستند که با پذیرفتن نکات مثبت فرهنگ‌های دیگر، خزانه فرهنگی خود را غنی ساخته‌اند.

ایران کشوری با تمدن چندین هزارساله، عمده فرهنگ غنی خود را علی‌رغم تمام خطرات، حفظ کرده و اکنون به دست ما رسیده است.

اگر از خرده فرهنگ‌های محلی چشم‌پوشی کنیم، به نظر می‌رسد میراث فرهنگ ایران باستان، فرهنگ اسلامی

فرهنگ ایرانی اسلامی خود شدند. از این جهت است که امروزه هیچ‌یک را از دیگری نمی‌توان جدا کرد، فرهنگ ایرانی اسلامی هویت ملت را تشکیل می‌دهد.

همان‌طور که گفته شد امروزه فرهنگ غنی ایرانی اسلامی مورد خشم و غضب عده‌ای قرار گرفته و با تخریب آن درصدد از بین بردن هویت و پوشاندن لباسی جدید بر تن مردم می‌باشد. با از بین رفتن فرهنگ یک ملت، می‌توان باورهای آنان، اعتقادات و تمامی ارزش‌ها را از بین برد و فرهنگی جدید جایگزین آن کرد که به تبع این تغییر، تمام اعمال و رفتارهای آن ملت دستخوش تغییر جدی می‌شود. این نوع دیگری از تجاوز می‌باشد. تجاوز به فکر، اندیشه و هویت!

برای مثال دفاع مقدس یا ایستادگی مردم ایران در برابر کل جهان! چه چیزی باعث شد این حماسه شکل بگیرد؟ مردم ما چه چیزی در وجود خود داشتند که توانستند در برابر کل دنیا قد علم کرده به حفاظت از خاکشان جان‌فشانی کنند؟

گفته بودیم فرهنگ، روح حاکم بر یک اجتماع است که به رفتار آن جامعه، جهت می‌دهد. چه چیزی در آن فرهنگ بود که چنین حماسه‌ای رقم خورد؟ حال، این روحیه نباید باشد! قدرتهای استبداد، نه ایمان را بر می‌تابند، نه خودباوری را، نه روحیه حماسی مردم را؛ بنابراین باید فکر مردم را تغییر داد، آنگاه خواه ناخواه میدان را خالی کرده و علاوه بر تصرف ذهنشان، خاکشان را هم به یغما می‌برند. شاید با جنگ نظامی نتوان ملتی را از پا درآورد، اما با جنگ فرهنگی و تغییر فکر آنان، حتی بدون جنگ نظامی، آن ملت را مغلوب می‌کنند. این است که امروزه اهمیت مقاومت و پاسداری از فرهنگ ایرانی اسلامی که هویتمان را تشکیل می‌دهد، امری به وضوح حیاتی است.

زهرا زردکوهی - بیوتکنولوژی



آن جمعه فراموش نشدنی...

دو سال است که از شهادت حاج قاسم سلیمانی، شهید پرآوازه ایرانی، سردار دل‌های همه ما مردم ایران می‌گذرد. دوسال است که دشمن او را پرپر کرده است؛ اما عطر بوی تفکر حاج قاسم میان همه مردم پخش شده و هر کدام از ما بوی غیرت و مردانگی او را استشمام کرده و حال، هر کدامان به یک حاج قاسم مبدل شده‌ایم. این اتفاقی بود که غم و اندوه را در دل همه ما نهاد و قلب بسیاری از ما را شکست. هرگز آن روز یعنی ۱۳ دی ماه ۱۳۹۸ را فراموش نمی‌کنم، فراموش نمی‌کنم روز تشییع را که همه مردم اشک می‌ریختند و در سوگواری از دست دادن عزیز خود عکس حاج قاسم را با بغض، قلبی سوخته و خشمگین در دست گرفته بودند و با تمام وجود بر علیه خصم و ظلم بی‌حد و اندازه شیطان بزرگ فریاد می‌زدند. با شنیدن خبر شهادت حاج قاسم، احساس تهی شدن کردم و آن روز بود که حس از دست دادن پدر و یک پشتوانه را با عمق وجودم چشیدم. ایران یکی از ستون‌های خود را از دست داده بود و بغض در گلو می‌ریخت. عظیم‌الشان نیز شهادتی بر این اتفاق عظیم و وحشتناک بود.

تابه حال ندیده بودم ۶ صبح که هنوز هوا تاریک بود، متروهای تهران به این حد از شلوغی، آن هم در چنین ساعتی برسند و این برای من مانند یک معجزه بود. همه یکدل و یکصدا برای یک هدف حرکت می‌کردیم به سمت یک مقصد مشترک. این وحدت و یکدلی خیلی زیبا بود. حاج قاسم، غم از دست دادن شما برای ما کهنه نمی‌شود و هر روز تازگی بیشتری دارد. انتقام سخت در راه است...



قهرمان داشتن یا قهرمان ساختن؟

مهربان با مردم و بی‌رحم مقابل دشمن. در طبیعت او همه شاخص‌های اساسی ایجاد محبوبیت بین عامه مردم وجود داشت.

سومین سپهبد بزرگ ایران، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی. او بیشتر از این که یک خط را فقط به نوشتن نامش اختصاص دهد و القاب یکی از یکی درخشان ترش را پشت هم بیاورد بر گردنم حق دارد و یقیناً شأن او چیزی بیشتر از فیلم‌ها و مستندهایی است که برای شناساندن او به مردم برنامه‌ریزی و طراحی می‌شوند.

امروز زندگی معمولی مردم با رسانه گره خورده، اتفاق‌های بزرگ و خارق‌العاده هم یا در خود رسانه‌ها رخ می‌دهند یا با واسطه‌ای به آن مرتبط می‌شوند. حتی سلاح در اکثر جنگ‌های امروز ادوات نظامی نیست، قلم و کاغذ، تلفن همراه و سواد رسانه برای حضور افراد در خط مقدم کفایت می‌کند. در این دوران برای آنکه حقیقت ارزش فرهنگ ایرانی اسلامی را به نسل بعدی برسانیم و یک دریچه بومی به جهان رویاهایشان باز کنیم، تنها ابزارمان رسانه است و بهترین راه ارتباط‌گیری‌مان دنیای قاصه‌ها و قهرمان‌ها!

حاج قاسم قهرمان است!

قهرمانی که مقایسه‌کردنش با ستاره‌های سینمایی و هالیوودی مضحک است، مرد میدان ما کجا و شخصیت‌های پوشالی آمریکایی کجا! اما این قهرمان را هنوز برای نسل جدید آن قدر که باید بزرگ و الهام‌بخش جلوه نداده‌ایم. پرده‌های سینما، رسانه، صداوسیما و تمام پلتفرم‌های نمایشی و هنری به‌اضافه قلم‌هایی که می‌نویسند و کاغذهایی که در انتظار کلمات هستند به این قهرمان و هزاران قهرمان تاریخی دیگرمان دینی دارند که اگر ادا نشود آن چیز که از دست می‌رود اصالت ما خواهد بود.

این‌ها که نوشتیم به این معنی نیست که اینجا کسی نباید مرد عنکبوتی ببیند یا طرفدار ستاره‌های هالیوودی و قهرمان‌های مارول یا غیره باشد، نه! فقط خواستیم یادآوری کنیم آن چیزی را که کمپانی مارول یا هر شرکت دیگر با اوهام و تخیلاتشان خلق می‌کنند، ما اینجا حقیقی و واقعی‌اش را داریم.

مقام معظم‌رهبری در وصف شهید حاج قاسم سلیمانی: ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آن‌ها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش و خودسازی می‌کند، به چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل می‌شود. ۹۹/۹۲۶

مارول یک کمپانی سینمایی است که کتاب‌های کمیک و فیلم‌های ابرقهرمانی تولید می‌کند و در حال حاضر از بزرگ‌ترین برندهای دنیای سرگرمی است.

تولد ابرقهرمان‌های *مارول به برهه‌ای مربوط می‌شود که جامعه آمریکایی به دلیل نداشتن تمدن کهن، از نعمت داشتن اسطوره‌ها و الگوهای غنی فرهنگی محروم بود و آمریکایی‌ها برای الهام‌بخشی به جامعه‌ای که از معنا تهی شده بود، دست به قلم بردند تا خودشان اسطوره خلق کنند!

فوت کوزه‌گری ایده‌پردازان شخصیت‌های ابرقهرمانی این بود که سعی می‌کردند شخصیت قهرمان‌ها را شبیه به مردم عادی در بیاورند و تا می‌توانند این باور که «او یکی از خود شماست» را خیلی خوب بین افراد جامعه جا بیندازند و دقیقاً بزرگ‌ترین دلیل محبوبیت ابرقهرمان‌های مارول به‌خاطر میزان بالای هم‌ذات‌پنداری افراد با زندگی این شخصیت‌ها و فراز و فرودهای احساسی‌شان است.

و حالا نتایج مطالعات جدید نشان می‌دهد که ابرقهرمانان مارول، محبوب‌ترین شخصیت‌های قهرمانی در جهان و از بین همه آن‌ها مرد عنکبوتی محبوب‌ترین ابرقهرمان دنیاست و این یعنی کمپانی مارول و همه ایده‌پردازان کتاب‌های کمیک و فیلم‌های ابرقهرمانی موفق عمل کرده‌اند! اما نکته‌ای که وجود دارد این است که هیچ‌کدام از ابرقهرمان‌های مارول در دنیای واقعی وجود ندارند. آن‌ها فقط زاینده ذهن تعدادی ایده‌پردازند، همین.

با این وجود چند قاره آن طرف‌تر و با اختلاف ۱۰/۵ ساعت از آمریکا منطقه‌ای با تمدنی کهن وجود دارد که نه تنها تاریخ گذشته‌اش مملو از الگوها و اسطوره‌های بی‌بدیل و حقیقی است بلکه در تاریخ معاصر و حال حاضرش هم قهرمانانی بزرگ و نام‌آور دارد. شما در هر کجا از ایران بزرگ قدم بگذارید، آن خطه برای خودش قهرمانانی به‌خصوص دارد که سال‌هاست اسمشان نقل محافل مردم است و عامه مردم عاشقانه از دلآوری‌ها و خوبی‌هایشان یاد می‌کنند.

اما متأسفانه تا همین حالا هیچ کمپانی‌ای برای پرداختن به این شخصیت‌های ناب در ایران شروع به فعالیت نکرده است.

این افراد می‌توانند منبع الهام و انگیزه برای بچه‌هایمان باشند، می‌شود با بازنمایی صحیح زندگی‌شان روی پرده‌های سینما و... دلیل شوق و سر‌کیف آمدن تعداد کثیری از افراد جامعه شد. ما در همین روزگار خودمان حضور کسی را درک کردیم که نه تنها پشت و پناه ملت خودمان بلکه بزرگ‌ترین پشتوانه مظلومان کشورهای دیگر بود. کسی که یک غده سرطانی که زاینده اسلام آمریکایی اسرائیلی را در شرایطی از بین برد و تارومار کرد که کشورها و نیروهای نظامی کله‌گنده جهان از ترس، خودشان را پشت تریبون‌های خبری و میزگردها و نشست‌ها قایم کرده بودند. همانی که گفت «تا سه ماه دیگر پایان داعش را در کل منطقه جشن می‌گیریم» و یک روز مانده به موعد، مورخ ۲۹ آبان ۱۳۹۶ پایان حکومت داعش را اعلام کرد. مردی خوش قول، خاضع،



زن بودن...

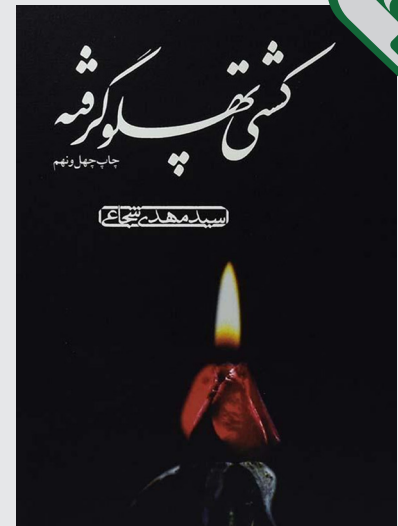
زنان در ساحت‌های مختلف می‌توانند فعالیت داشته باشند؛ فردی، خانوادگی و اجتماعی. در ساحت فردی جنسیت مطرح نیست و زنان هم می‌توانند به دنبال شناخت اهداف خود به صورت کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت باشند و برای رسیدن به مقام قرب الهی و سعادت خود، با انجام واجبات و ترک محرمات در جهت بالا بردن درجات عالی معنوی تلاش کنند. در ساحت خانوادگی بر اساس روحیه لطیف و ریحانه خود، کانون خانه را گرم می‌کنند و با عاطفه و دلسوزی بی‌کران می‌توانند آرامش را به خانواده، حیات بخشند و پناهگاه مردان خسته از روزگار گذراننده در هیاهوی شغلی باشند؛ بنابراین مشوق اصلی مردان در مسیر شغلی و هدف اصلی آنان، زنان هستند. در ساحت اجتماعی، زنان با سه نوع تفکر روبه‌رو هستند. تفکر نوع اول، الگوی زن شرقی می‌باشد که زن نباید به هیچ وجه در جامعه حضور داشته باشد و وظیفه او به‌جز آماده کردن غذا و مرتب کردن خانواده چیزی نیست و عقاید آنان بر این اساس است که زنان نباید نسبت به مسائل روز اظهار نظر کنند و حضور آنان جامعه را به پرتگاه می‌کشاند. تفکر نوع دوم، الگوی زن غربی می‌باشد که زن بدون هیچ حد مشخصی در جامعه باید حضور یابد و قبل از اینکه انسانیت خود را در جامعه عرضه کند، جنسیت خود را در مقابل مخاطبان خود در حیطة کاری و فعالیت اجتماعی قرار می‌دهد. تفکر نوع سوم، الگوی اسلامی می‌باشد که بارها در مفاهیم و اندیشه‌های متفکران اسلامی از آن‌ها می‌شنویم. حضور فعال اجتماعی به عنوان یک تکلیف برای خانم‌ها باید عملی شود و البته این حضور اجتماعی باید همراه حجب و حیا در چارچوب‌های اسلامی باشد تا فعالیت‌ها به دور از فضای جنسیت‌زده در فضای حقیقی صورت پذیرد. با توجه به توضیحات مطرح شده از ساحت‌های مختلف زنان، حضرت زهرا یک الگوی تمام و کمال در همه عرصه‌ها می‌باشد. زندگی این بانو در مقام فردی پر

از معنویت و عبودیت، شخصیت والای ایشان مثال‌زدنی است. مقام این حضرت به قدری بالاست که حضرت علی (علیه السلام) به همسر و دختر عموی خود افتخار کرده است. او در مقام خانوادگی همیشه همراه همسر خود بوده و در مشکلات مختلف زندگی قانع و با زبان و مهارت کلامی مناسب با اسم کوچک و محبت فراوان همسرش را صدا می‌کرد. می‌گفت: «یا علی جان، وجود زهرا به فدای تو».

حضور حضرت زهرا در اجتماع و دفاع از فدک در مجامع عمومی توسط ایشان اتفاق افتاد، آن حضرت نگذاشت مسئله به گونه دیگر تبیین شود، روایت کرد تا مسئله تحریف نشود. تبیین این موضوع باعث شد مردمان ناآگاه از این موضوع خبردار شوند.

ایراد سخنرانی حضرت زهرا درباره فدک مربوط به بحث امامت، نبوت، فلسفه و کلام بوده است و یکبار کلمه فدک در آن تکرار نشده است. این‌ها نشان دهنده آن است که حضرت زهرا تنها یک زمین تجاری مثل فدک برایش مهم نبوده است. بلکه ابعاد پنهانی ماجرا برایش اهمیت داشته است. «شما می‌دانید دو خانم برجسته در دین ما هستند، حضرت زهرا و حضرت زینب. تحلیل‌های سیاسی که این دو بانوی بزرگوار می‌دهند، بی‌نظیر است. این دو خانم مگر الگوی حجاب هستند؟ حجاب را شما از کنیز حضرت زهرا هم می‌توانی یاد بگیری. از خیلی مسلمان‌های دیگر هم می‌توانی یاد بگیری. مردها باید بیایند تحلیل سیاسی را از حضرت زهرا یاد بگیرند. زن باید تحلیلگر سیاسی باشد، اگر خانم‌ها وارد تحلیل سیاسی شوند و خودشان را تقویت کنند، در تحلیل مسائل سیاسی از مردان جلو می‌زنند.»

حجت‌الاسلام پنهان



کشتی پهلو گرفته

خدا که زمین، آسمان، خورشید، ماه، بر و بحر را می‌آفرید گفت: «همه این‌ها را به‌خاطر پنج تن می‌آفرینم؛ محمد (ص)، فاطمه، علی و حسن و حسین.» زمین با آمدن فاطمه جان تازه یافت و با شهادتش در غم سوخت. مردمانی که اسیر بندهای جهالت بودند عظمتش را درک نکردند و در غمگین کردن او کم نگذاشتند.

اگر دوست دارید عظمت و بزرگی برترین بانوی اسلام را درک کنید و دقایقی با تلاش‌های ایشان و غم‌هایشان همراه شوید، کتاب کشتی پهلو گرفته را از دست ندهید. استاد سید مهدی شجاعی بسیار زیبا و وصف حال حضرت زهرا را از زبان پیامبر، امام علی، امام حسن، امام حسین، ام‌کلثوم و حضرت زینب گفتند. چه شیرین نوشتند وصف حال حضرت فاطمه را از زبان خودشان. این کتاب از آن دست کتاب‌های فراموش‌نشده است. از آن کتاب‌هایی که تا ابد در قلبتان می‌ماند چون این غم از یاد رفتنی نیست.

برای اینکه به عمق زیبایی کتاب پی ببرید برشی از آن را برایتان اینجا می‌گذارم:

«هیچ‌کس آیا توانسته است غم فاطمه (س) را در سوگ پدر به تصویر بکشد، جز ناله‌های بیت‌الاحزان فاطمه؟ در اندوه جگر سوز علی (ع) در مواجهه با فاطمه میان در و دیوار و گاه شستن صورت نیلی و بازوی کبود فاطمه، هیچ هنرمند عارفی توانسته است مرتبه بسراید آن‌چنان که از عمق رنج آدمی در چروک‌های پیشانی علی خبر دهد و وسعت غم‌های خلقت را در پهنای اشک علی بشناسد و بشناساند جز با اشک پنهانی علی؟ اگر زینب (س) با مشاهده سر برادر، حسین، سلامت سر خویش را تاب آورده بود و سر بر ستون کجاوه نکوبیده بود، چه کسی عشق را، درد و هجران را در آفرینش تفسیر می‌کرد؟»

این‌ها دردهایی است که نویسندگان را خاکستر می‌کند و قلم رامی‌سوزاند و دفتری به پهنای گیتی را آتش می‌زند.»

عطیه سلیمی‌پور مدیرت بازرگانی

اگر قلم خوبی دارید و دوست دارید در «ایما» فعالیت کنید، به آیدی @mehfa135 در تلگرام پیام دهید!